





۱۲۳. گزینه‌ی «۴»

$$\begin{aligned} \text{ارزش مواد غذایی} &= 500 \times 30,000,000 \\ &= 15,000,000,000 \text{ ریال} \\ \text{ارزش ماشین‌آلات} &= 5,000 \times 5,000,000 \\ &= 25,000,000,000 \text{ ریال} \\ \text{ارزش پوشاک} &= 15,000 \times 50,000 = 7,500,000,000 \\ &= 7,500 \text{ میلیون ریال} \end{aligned}$$

$$\text{ارزش پوشاک} = \frac{2}{3} \times \text{ارزش خدمات ارائه شده}$$

$$= \frac{2}{3} \times 7,500 = 5,000 \text{ میلیون ریال}$$

$$\begin{aligned} \text{تولید ناخالص داخلی} &= 15,000 + 25,000 + 7,500 + 5,000 \\ &= 52,500 \text{ میلیون ریال} \end{aligned}$$

$$\text{ارزش ماشین‌آلات} = \frac{1}{25} \times \text{هزینه‌ی استهلاک}$$

$$= \frac{1}{25} \times 25,000 = 1,000 \text{ میلیون ریال}$$

$$\text{هزینه‌ی استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$52,500 - 1,000 = 51,500 \text{ میلیون ریال}$$

$$\text{تولید خالص داخلی} = \frac{267,500}{50} = 5,350 \text{ میلیون ریال}$$

$$= 5,350 \text{ میلیون ریال}$$

(آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۱۲۴. گزینه‌ی «۱»

$$\text{تورم در سال دوم (افزایش قیمت‌ها در سال دوم)}$$

$$\text{تولید در سال دوم به قیمت پایه} - \text{تولید در سال دوم به قیمت جاری} =$$

$$= 1700 - 1650 = 50 \text{ هزار میلیارد ریال}$$

$$\text{تورم در سال سوم (افزایش قیمت‌ها در سال سوم)}$$

$$\text{تولید در سال سوم به قیمت پایه} - \text{تولید در سال سوم به قیمت جاری} =$$

$$= 1875 - 1710 = 165 \text{ هزار میلیارد ریال}$$

$$\text{افزایش مقدار تولید در سال دوم}$$

$$\text{تولید در سال پایه} - \text{تولید در سال دوم به قیمت پایه} =$$

$$= 1650 - 1500 = 150 \text{ هزار میلیارد ریال}$$

$$\text{افزایش مقدار تولید در سال سوم}$$

$$\text{تولید در سال پایه} - \text{تولید در سال سوم به قیمت پایه} =$$

$$= 1710 - 1500 = 210 \text{ هزار میلیارد ریال}$$

$$\text{افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سوم همان اعداد مربوط به پدیده‌ی تورم}$$

$$\text{در این سال‌هاست که در قسمت اول محاسبه شدند.}$$

(آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

اقتصاد-کنکور سراسری ۹۱



نگارش پاسخ: سارا شریفی

۱۲۱. گزینه‌ی «۱»

اقتصاددانان به دنبال کشف روابط علت و معلولی بین «پدیده‌های اقتصادی عالم واقع»، با جمع‌آوری مشاهدات و اطلاعات، نظریاتی را ارائه می‌کنند و سپس به ارزیابی و قبول یا رد آن‌ها می‌پردازند. پس آنان نیز «با روش علمی مسائل اقتصادی را مطالعه می‌کنند».

(اقتصاد چیست؟، صفحه‌ی ۸)

۱۲۲. گزینه‌ی «۲»

درآمد ملی در برگیرنده‌ی مجموع درآمدهایی است که در طول سال نصیب اعضای جامعه می‌شود. این درآمدها عبارت‌اند از: درآمد حقوق بگیران (دستمزدها)، درآمد صاحبان سرمایه (قیمت خدمات سرمایه)، درآمد صاحبان املاک و مستغلات (اجاره)، درآمد صاحبان مشاغل آزاد و سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسه‌ها می‌شود.

بنابراین ردیف ۱ (درآمد صاحبان سرمایه) همان قیمت خدمات سرمایه است و ردیف ۶ (درآمد صاحبان املاک و مستغلات) همان اجاره‌بها یا جوجه مربوط به اجاره است.

توجه: در این سؤال، دو مقدار مجزا برای درآمد حقوق بگیران و دستمزدها نوشته است، درحالی‌که این دو تفاوتی با هم ندارند. با فرض مجزا بودن این مقادیر، درآمد ملی به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۶} = \frac{1}{3} \times \text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد}$$

$$= \frac{1}{3} \times (9897 + 8856) = \frac{1}{3} \times 18753 = 6251 \text{ میلیارد ریال}$$

$$\text{درآمد صاحبان سرمایه} = \frac{2}{3} \times \text{سود شرکت‌ها و مؤسسات}$$

$$= \frac{2}{3} \times 9897 = 6598 \text{ میلیارد ریال}$$

$$\text{مجموع درآمد ردیف‌های ۴ و ۶} = \frac{1}{5} \times \text{درآمد حقوق بگیران}$$

$$= \frac{1}{5} \times (6442 + 8856) = \frac{1}{5} \times 15298 = 3059.6$$

$$= 9897 + 6251 + 6598 + 6442 + 3059.6 + 8856 = 41103.6 \text{ میلیارد ریال}$$

با تقسیم درآمد ملی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می‌آید.

$$\text{میلیون ریال} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کشور}} = \frac{41103.6}{50} = 822072$$

متأسفانه این عدد در گزینه‌ها وجود ندارد؛ با این حال، سازمان سنجش آموزش کشور، گزینه‌ی «۳» را به عنوان پاسخ صحیح این سؤال معرفی نموده است.

مفهوم و معنای سرانه عبارت از سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.

(آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌ی ۱۶)



۱۲۵.

گزینه‌ی «۳»

در سطح قیمت ۲۵۰ ریال که به ازای آن مقدار عرضه و تقاضا با هم برابرند، بازار به تعادل می‌رسد و در آن کمبود یا مازاد مشاهده نمی‌شود. بنابراین در ردیف ۴ برابری میان عرضه و تقاضا را داریم که به آن «قیمت و مقدار تعادلی» می‌گویند. در سطح قیمت‌های بالاتر از ۲۵۰ ریال (ردیف‌های ۵، ۶ و ۷) در بازار با «مازاد عرضه» روبه‌رو می‌شویم. در سطح قیمت‌های پایین‌تر از ۲۵۰ ریال (ردیف‌های ۱، ۲ و ۳) در بازار با «کمبود عرضه» روبه‌رو می‌شویم.

(بازار، صفحه‌های ۴۹ و ۵۲)

۱۲۶.

گزینه‌ی «۱»

«فصل چهارم» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که شامل «اصل چهارم و سوم تا اصل پنجاهم» می‌شود، با عنوان «اقتصاد و امور مالی» به مسائل اقتصادی کشور پرداخته و چارچوب کلی نظام اقتصادی مطلوب خود را ترسیم کرده است.

(اقتصاد و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صفحه‌ی ۶۵)

۱۲۷.

گزینه‌ی «۲»

(الف)

$$ریال \quad ۱۸۰,۰۰۰ \times \frac{۱۲}{۱۰۰} = ۱,۵۰۰,۰۰۰ - ۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۶,۵۰۰,۰۰۰$$

$$۸,۷۵۰,۰۰۰ - ۶,۵۰۰,۰۰۰ = ۲,۲۵۰,۰۰۰ \times \frac{۱۵}{۱۰۰}$$

$$ریال \quad ۳۳۷,۵۰۰$$

$$ریال \quad ۱۹۸,۰۰۰ \times \frac{۱۸}{۱۰۰} = ۱,۱۰۰,۰۰۰ - ۸,۷۵۰,۰۰۰ = ۹,۸۵۰,۰۰۰$$

$$۲۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۹,۸۵۰,۰۰۰ = ۱۵,۱۵۰,۰۰۰ \times \frac{۲۵}{۱۰۰}$$

$$ریال \quad ۳,۷۸۷,۵۰۰$$

$$۴۲,۰۰۰,۰۰۰ - ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۷,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۳۵}{۱۰۰}$$

$$ریال \quad ۵,۹۵۰,۰۰۰$$

مالیات ماهانه

$$۱۸۰,۰۰۰ + ۳۳۷,۵۰۰ + ۱۹۸,۰۰۰ + ۳,۷۸۷,۵۰۰ + ۵,۹۵۰,۰۰۰$$

$$ریال \quad ۱۰,۴۵۳,۰۰۰$$

(ب)

$$ریال \quad ۱۰,۴۵۳,۰۰۰ \times ۱۲ = ۱۲۵,۴۳۶,۰۰۰$$

$$ریال \quad ۴۲,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۲ = ۵۰۴,۰۰۰,۰۰۰$$

مالیات سالانه - درآمد سالانه = مانده‌ی خالص سالانه

$$ریال \quad ۳۷۸,۵۶۴,۰۰۰ - ۱۲۵,۴۳۶,۰۰۰ = ۲۵۳,۱۲۸,۰۰۰$$

(ج) نام نرخ مالیاتی مورد محاسبه، نرخ تصاعدی طبقه‌ای است.

(پودمهی دولت، صفحه‌های ۸۲ و ۸۳)

۱۲۸. گزینه‌ی «۲»

بهای کلای سرمایه‌ای = هزینه‌ی استهلاکی سالانه
عمر مفید کالا

$$= \frac{۱۳}{۶/۵} = ۲ \text{ میلیارد ریال}$$

$$\text{میلیارد ریال} \quad ۲ \times ۲ = ۴ = \text{هزینه‌ی استهلاک دو سال آخر}$$

$$\text{میلیارد ریال} \quad ۴ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = ۰/۴ = \text{افزایش استهلاک دو سال آخر}$$

$$\text{میلیارد ریال} \quad ۴ + ۰/۴ = ۴/۴ = \text{هزینه‌ی استهلاک دو سال آخر با قیمت جدید}$$

$$= ۴,۴۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

$$\text{میلیارد ریال} \quad ۱/۳ = ۱۳ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = \text{افزایش قیمت کالا}$$

$$\text{میلیارد ریال} \quad ۱۴/۳ = ۱۳ + ۱/۳ = \text{قیمت جدید کالا}$$

$$= ۱۴,۳۰۰ \text{ میلیون ریال}$$

(پودمهی دولت، صفحه‌ی ۸۶)

۱۲۹. گزینه‌ی «۴»

افزایش تولید ناشی از افزایش زیر کشت، یا بهبود روش‌ها، به‌کارگیری بذر اصلاح شده یا فناوری برتر، مثالی برای «رشد» است زیرا این واژه، صرفاً به‌معنای افزایش تولید «است»، بنابراین یک مفهوم «کمی» است و آنچه که بر «توسعه» دلالت دارد، یک مفهوم «کمی - کیفی» است.

(توسعه‌ی اقتصادی، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۱۳۰. گزینه‌ی «۲»

با به‌کارگیری یک «نظام صحیح مالیاتی»، توزیع مجدد درآمد به نحو قانونی، تفاوت میان درآمد و ثروت یک گروه محدود و اکثریت چشم‌گیر مردم کاهش می‌یابد.

(توزیع درآمد و فقر، صفحه‌ی ۱۰۲)

۱۳۱. گزینه‌ی «۳»

«بانک مرکزی» با اعمال «سیاست بازار باز» می‌تواند با «فروش اوراق مشارکت» به‌طور مستقیم از مقدار پول در دست مردم بکاهد.

(پول، صفحه‌ی ۱۲۶)

۱۳۲. گزینه‌ی «۲»

میزان موفقیت بانک‌ها - به‌خصوص بانک‌های تجاری - به میزان خدمات آن‌ها، تعداد مشتریان و میزان سپرده‌های مردم نزد بانک بستگی دارد. اگرچه اعطای وام و میزان «اعتبارات و تسهیلات اعطایی» برای بانک‌های تجاری یکی از راه‌های کسب سود است اما افزایش بی‌رویه و عدم کنترل آن، در اقتصاد کشور آثار مخربی بر جای می‌گذارد.

(بانک، صفحه‌ی ۱۳۷)



۱۳۳. گزینه‌ی «۱»

شرکت‌های سهامی به دو نوع سهامی عام و سهامی خاص تقسیم می‌شوند که فقط «شرکت‌های سهامی عام» در «بورس» پذیرفته می‌شوند. شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، از مزایا و معافیت‌های مالیاتی خاص برخوردارند.

(بورس، صفحه‌ی ۱۴۴)

۱۳۴. گزینه‌ی «۳»

طبق دستورالعمل بانک مرکزی، «اوراق مشارکت»، اوراق بهاداری است که با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین بخشی از منابع مالی مورد نیاز طرح‌های سودآور تولیدی و خدماتی (به استثنای «امور بازرگانی») در چارچوب «عقد مشارکت مدنی»، توسط سازمان مجری منتشر می‌شود.

(بورس، صفحه‌ی ۱۴۵)

۱۳۵. گزینه‌ی «۴»

نام کشور	تولید غالب
ایران	پسته
مصر	پنبه
کوبا	نیشکر
غنا	کاکائو
نیجریه	نفت
برزیل	قهوه
آرژانتین	محصولات دامی

(تجارت بین‌الملل، صفحه‌ی ۱۵۷)